



صدای حزین جبرئیل

کاظم قاضی زاده
بخش اول

در این مقاله به یکی از زیر مجموعه‌های ادب مواجهه با قرآن پرداخته شده است، ابتدا در یک بررسی تاریخی به شیوه قرائت قرآن در هنگام نزول و (قرائت ترتیل) قرائت ترتیلی پیامبر، قرائت زیبا و حزن آمیز ائمه اطهار و قرائت با الحان صحابه پرداخته و سپس قرائتهای مطلوب، نامطلوب و مورد اختلاف را ارائه نموده‌ایم. قرائت ترتیل، تدویر، تحقیق، تدویر، قرائت همراه با حزن و قرائت نیکو از دسته اول، قرائت هنرآموز از دسته دوم و قرائت همراه با ترجیع و تغنی از دسته سوم می‌باشد.

انواع قرائت قرآن

قرآن کریم در مقایسه با دیگر کتب دینی و غیردینی، از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار است. این ویژگی نه تنها از زبان معصومین علیهم السلام نقل شده، که تک تک سوره‌ها و آیات قرآن نیز بر آن دلالت دارد. نه تنها مفاهیم قرآن از عمق و ژرفای خاصی برخوردار است، که الفاظ آن نیز جلوه‌ای از اعجاز کلام «خداوند» را می‌نمایاند. از اینرو این کتاب در همه عرصه‌های حضور و تحققش از تقدس ویژه‌ای برخوردار است. و انسان نیز در مواجهه با این حقیقت بی‌بدیل، موظف به رعایت آداب ویژه‌ای می‌باشد؛ چنان که برای حضور بر کرانه دریای معانی قرآن، باید جان را از پلیدیها پاک گرداند. و برای لمس وجود «کتبی» آن، باید از «طهور» استمداد جست، برای حمل، قرائت و استماع آیات نورانی آن نیز نیازمند رعایت شرایط و آدابی دیگر است.

به نظر می‌رسد بررسی و تدوین مجموعه‌ای در «آداب مواجهه با قرآن» موضوعی جالب و در خور تحقیق است و می‌تواند یکی از سرفصلهای علوم قرآنی را رقم بزند. اما در این مختصر تنها به بررسی یکی از زیرمجموعه‌های عنوان فوق می‌پردازیم.

یکی از جلوه‌های قرآن «قرآن صوتی» است. قرآنی که فرشته وحی بر پیامبر اکرم (ص) قرائت کرده است و پیامبر (ص) بر مردم خواند. و پس از آن نیز آن الفاظ و کلمات بر زبان قاریان و حافظان، بلکه بر زبان تک تک امت مسلمان در طی قرون و اعصار جاری گردیده و هر صبح و شام طنین دلنشین تلاوت آیات آن، فضای جوامع اسلامی را نوری دوباره بخشیده است. مسلماً مواجهه با این جلوه قرآن نیز دارای آداب و شرایطی است که یکی از آنها آداب چگونگی قرائت قرآن از جهت «صوت» است. قرآن کریم چگونه باید تلاوت شود؟ پیامبر اکرم (ص) چگونه صوتی را می‌شنیده است و چگونه بر مردم تلاوت نموده است؟ دیگر معصومین (ع) چگونه قرآن می‌خوانده‌اند؟ آیا روش خاصی در قرائت قرآن توصیه شده است یا روشهای مطلوب متعددی در این زمینه وجود دارد؟ آیا روش مطرود و ممنوعی در نحوه قرائت وجود دارد یا نه؟ ارتباط مطلوبیت خوشخوانی و حرمت غنا چیست؟ آیا هر نوع غنایی و در ضمن هر مضمونی مطلقاً حرام است (حتی قرائت قرآن غنائی) یا قرائت قرآن تخصصاً یا تخصیصاً از حرمت غنا خارج است؟ از جهت تاریخی صحابه، تابعین و دیگر قاریان چگونه و با چه لحنی

قرآن را تلاوت نموده‌اند؟

پاسخ سؤالاتی از این دست، زمینه نگارش این مقاله را فراهم آورده است. تذکر این نکته ضروری است که گرچه اشارات مختصری در بعضی از کتب علوم قرآنی و یا مباحث علم قرائت در این باره آمده است، اما نگارنده به بحث جامع و گسترده‌ای در این موضوع دست نیافته است. بعضی از مفسرین نیز در اوایل کتب تفسیری خویش و یا در ذیل آیاتی که به نحوه قرائت اشاره دارد، بحثهای مختصری نموده‌اند؛ جوامع روایی - خصوصاً جوامع روایی شیعی - و کتب فقهی نیز به مناسبت، به زوایایی از مساله اشاره نموده‌اند. طبیعی است منابع یاد شده از قرآن، روایات، کتب علوم قرآنی و تفسیر و مباحث فقهی، منابع اساسی نگارنده در فراهم آوردن این مقاله خواهد بود.

فصل اول:

بررسی تاریخی کیفیت قرائت

الف: کیفیت قرائت جبرائیل هنگام نزول قرآن

اولین باری که قرآن در جلوه «قرآن صوتی» عینیت یافته است، هنگام قرائت فرشته امین وحی بر پیامبر اکرم (ص) بوده است. گرچه نزول دفعی قرآن، با معیارهای قابل شناخت ما بعید است از نوع گفتار معمولی و تدریجی باشد، اما نزول تدریجی قرآن در طول دوران رسالت اینگونه بوده است. قرآن کریم صریحاً به گفتار بودن وحی الهی و هنگام نزول اشاره می‌نماید. در سوره تکویر آمده است: (انه لقول رسول کریم)^۱ «هر آینه آن [قرآن] گفته فرستاده‌ای بزرگوار [جبرائیل] است.»

قرآن کریم، برخلاف کتابهای آسمانی دیگر که بصورت «الواح» یا «کتاب» بر پیامبران عرضه می‌گردید، بصورت کلام و «قول» بر پیامبر اسلام فرو فرستاده شد؛ به همین جهت اهل کتاب، کیفیت وحی را ناآشنا می‌انگاشته از پیامبر (ص) درخواست آوردن کتاب مدون می‌نمودند.^۲ اما قرآن کریم بطور جداگانه و مرتل نازل گردید. قرآن کریم در سوره فرقان ضمن اشاره به گفته کافران و درخواست آنان، مبنی بر نزول دفعی قرآنی و رد درخواست آنان، کیفیت نزول قرآن را بصورت ترتیل معرفی می‌نماید.^۳ ولی با این حال قرائت ترتیل از جهت صفت به روش واحدی نبوده است؛ شخص پیامبر اکرم (ص) که مخاطب سرش وحی بوده است، بر اثر تفاوت نوع ترتیل جبرائیل، بگونه‌های مختلفی منفعل و متأثر می‌گشته است؛ هنگامی که «حارث بن هشام» از حضرتش سؤال نمود که: وحی چگونه بر شما نازل می‌شود پیامبر (ص) فرمودند:

گاهی صدایی همانند صدای جرس بگوش من می‌رسید؛ وحیی که اینگونه بر من نازل می‌شد، سخت گران و سنگین بود. سپس این صدا قطع می‌شد و آنچه را جبرائیل می‌گفت فرا می‌گرفتم. و گاهی جبرائیل بصورت مردی بر من فرود می‌آمد و یا من سخن می‌گفت و من گفته‌های او را حفظ می‌کردم.^۴ در این گفتار پیامبر (ص) به دو نوع وحی اشاره نموده‌اند که یکی بسیار ثقیل و دیگری کمی لطیف‌تر بوده است. محتمل است به اقتضای تنوع مفاهیمی که در هر مرحله از نزول تدریجی قرآن وجود داشته است، شیوه انزال و قرائت جبرائیل متفاوت بوده است. ره‌آوردی که از این احتمال بدست می‌آید، مطلوبیت تفاوت قرائت قرآن یا توجه به کیفیت و نوع معانی آیات است.

روایات دیگری درباره کیفیت نزول قرآن وارد شده است که می‌تواند شاهدی بر صدق احتمال فوق باشد؛ در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که «قرآن با شکوه و جلال و بزرگی (تفخیم) نازل شده است»^۵. ناقل روایت فوق از قول حلیمی نقل می‌کند که:

مقصود روایت فوق آن است که قرائت مردانه خوانده شود و با نرمی قرائت زنانه خوانده نشود.^۶

روایت دیگری محمد بن ابی عمیر از قول امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که حضرتش فرمودند:

«هر آینه قرآن همراه با حزن (و به صورت حزین) نازل شده است.»^۷

گرچه جمع بین دو قرائت «مفخم» و «حزین» ناممکن نیست، اما ظاهر این دو روایت بر لزوم توجه به اختلاف در قرائت قرآن نزدیکتر است؛ به تعبیر دیگر به نظر می‌رسد گاهی وصف غالب قرائت هنگام نزول، کوبندگی و جلال بوده و گاهی صدای حزین جبرائیل و وصف حزن آن بیش از هر چیز، شنونده کلام وحی را به خود جلب می‌کرده است.

ب: کیفیت قرائت پیامبر اکرم (ص)

۱- قرائت ترتیل

قرآن کریم چنان که از قرائت جبرائیل به نحو ترتیل یاد نموده است، پیامبر اکرم (ص) را نیز به اینگونه قرائت امر کرده است؛ در سوره مزمل می‌فرماید: «و قرآن را به صورت «ترتیل» قرائت کن.»^۸

روشن است که پیامبری که قبل از هر چیز افتخار بندگی پروردگار خویش را دارد، به امر الهی گردن نهاده و به گونه ترتیل قرائت می‌نموده است.

در آیه شریفه دیگر قرائت پیامبر اکرم (ص) قرائت

همراه با تانی و مکث ذکر شده است، در سوره مبارکه اسراء می فرماید:

«و قرآنی را جزء جزء بر تو نازل کردیم تا آنرا بتدریج و تانی بر مردم قرائت نمایی»^۹

با توجه به تعبیر «لتقرأ علی الناس علی مکث» که در این آیه آمده است و با نظر به تفاسیر این آیه ظاهراً «قرائت علی مکث» همان قرائت ترتیلی است^{۱۰}، گرچه بعضی از این تعبیر، صرف تدریج در قرائت و تنجیم قرآن را فهمیده اند.^{۱۱}

۲. قرائت ترجیح
قرائت دیگری که از پیامبر حکایت شده است «قرائت همراه با ترجیح» است، این نوع قرائت برخلاف قرائت ترتیل، تنها در نقل واقعه‌ای خاص وارد شده است. در صحیح مسلم آمده است که:

«شعبه از معاویه بن قره نقل کرد که وی گفت: از عبدالله بن مغفل مزنی شنیدم که می گفت: پیامبر اکرم (ص) در سال فتح (مکه) در میانه راه سوار بر مرکب خویش سوره فتح را قرائت نمود، پس در قرائت خویش ترجیح نمود.

معاویه [بن قره] گفت: اگر ترس اجتماع و ازدحام مردم را نداشتیم، هر آینه بر شما قرائت پیامبر را حکایت می نمودم.»^{۱۲}

از قسمت پایانی حکایت فوق، حسن و جذابیت زایدالوصف پیامبر اکرم (ص) نیز بدست می آید؛ چرا که راوی ضمن اظهار اطلاع از نحوه قرائت پیامبر (ص)، عدم حکایت آن را ترس از ازدحام مردم اعلام می کند.

البته بعضی که مطلق «صوت مرجع» را موضوع حرمت غنا دانسته اند، در مقام توجیه روایت فوق و حمل برخلاف ظاهر برآمده اند. محمدبن احمد قرطبی از قول بعضی دیگر، ترجیح در قرائت پیامبر را به جهت حرکت مرکب و در نتیجه امری غیرارادی دانسته است^{۱۳}؛ اما پرواضح است که اگر مقصود از نقل فوق اینگونه بود، بجای تعبیر «فرجع فی قرائته» از تعبیر «رجع قرائته» باید استفاده می شد.

۳. قرائت حسن

در روایات زیادی، پیامبر اکرم (ص) دارای «قرائت حسن» و «صوت حسن» معرفی شده است. حتی قریش که در اوایل بعثت دشمنی و عناد آشکاری با پیامبر اکرم (ص) و خدای او داشتند و چون نام خدای برده می شد می گریختند (به جهت عداوت)، اما هنگامی که پیامبر اکرم (ص) در نیمه‌های شب به قرائت قرآن می پرداخت، پنهانی به قرائت وی گوش می سپردند. علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه شریفه چهل و ششم سوره اسراء^{۱۴} اینگونه روایت کرده است:

«هنگامی که پیامبر خدا (ص) شب را به قرائت قرآن سپری می کرد به جهت زیبایی قرائتش، قریش با علاقه فراوان پنهانی به صدایش گوش سپردند. و هنگامی که آیه شریف بسم الله الرحمن الرحیم را قرائت می فرمود [به جهت عداوت با خداوند] از نزد او می گریختند.»^{۱۵}

در روایت دیگر پیامبر اکرم (ص) نه تنها خوش صدا، که خوش صداترین مردم در قرائت قرآن معرفی شده است^{۱۶}؛ در حقیقت حسن صوت، کرامت و موهبت الهی است. و به همین جهت نیز امام صادق علیه السلام تمام پیامبران خداوند را دارای چنین موهبتی معرفی می نماید.^{۱۷}

هر مرتبه‌ای از حسن قرائت دارای تاثیر خاصی است و مراتب والای آن، نه تنها شنوندگان را مجذوب که آنها را مدهوش می کند. پیامبر (ص) که احسن الناس صوتاً بوده است، از حسن قرائتش به جهت رعایت حال مردم شنونده می کاسته است. این نکته از بیان حضرت امام کاظم (ع) به دست می آید. هنگامی که حضرتش به توصیف قرائت جدشان علی بن الحسین پرداختند از ایشان سؤال شد که: آیا اینگونه نبود که پیامبر خدا (ص) با مردم نماز می خواند و [در حین نماز] صدای خویش را به قرائت قرآن بلند می کردند؟^{۱۸} حضرت کاظم در جواب فرمودند:

«پیامبر اکرم (ص) فقط به مقدار طاقت مامومین با آنها رفتار می کرد»^{۱۹}

مفهوم این روایت آن است که گرچه پیامبر اکرم (ص) قدرت آفریدن قرائت مدهوش کننده را داشته است، اما به جهت رعایت حال مستمعین (خصوصاً در حین نماز) از حسن قرائت خویش می کاسته است. نکته دیگر که از این کلام به دست می آید آن که قرائت زیبایی که موجبات صعقه و طرب را فراهم آورد، فی نفسه ممنوعیتی ندارد و پیامبر اکرم اگر چنین قرائتی را در نماز نمی کردند، صرفاً بجهت عنوان ثانوی (رعایت حال مردم) بوده است نه ممنوعیت آن قرائت به عنوان اولی.

تذکر این نکته در پایان قرائتهای منقوله از پیامبر لازم است: قرائت حسن، می تواند وصف لازم هر کدام از قرائتهای ترتیلی و ترجیحی قرار گیرد و قرائت احسن نیز بیانگر مرتبه والایی از قرائت ترتیل و یا ترجیح است. قرائت ترتیل و ترجیح نیز امکان تصادق در فرد واحد را دارند؛ اما اکنون به جهت استیفای عناوینی که در قرائت پیامبر آمده است به جداسازی هر یک مبادرت گردید. رابطه انواع قرائت فوق و قرائت دیگر در ادامه مقال خواهد آمد.

ج: کیفیت قرائت ائمه اطهار علیهم السلام

۱. قرائت حسن (خوشخوانی)
قرائت همه ائمه اطهار علیهم السلام متأسفانه نقل نشده است؛ اما درباره قرائت امام سجاد، باقر و کاظم علیهم السلام روایاتی در دست است. یکی از ویژگیهای قرائت ائمه خوشخوانی آن است. علی بن محمد نوفلی می گوید: نزد حضرت ابی الحسن (امام کاظم) (ع) از «صدا» یاد کردم پس حضرت فرمودند:

«حضرت علی بن الحسین (ع) قرائت [قرآن] می نمود، پس چه بسا عابری بر او می گذشت و از نیکویی صدای قرائتش به حالت صعقه و بیهوشی می افتاد. هر آینه اگر «امام» از این موضوع (قرائت خوش) چیزی اظهار کند، به جهت نیکویی اش، مردم را تاب تحمل شنیدن نیست.»^{۲۰}

امام صادق علیه السلام نیز در توصیف پدر و جد خویش اینگونه فرمودند:

«علی بن الحسین (علیهما السلام) در قرائت قرآن، از همه مردم خوش صداتر بود و [هنگام قرائت] صدایش را بگونه‌ای بلند می نمود که اهل خانه بشنوند. اباجعفر [امام باقر] (علیه السلام) نیز [چون پدر] در قرائت قرآن خوش صداترین بود، هنگامی که شبانگاه برخاسته و به قرائت می پرداخت، صدایش را [به قرائت] بلند می نمود پس ساقیان و افراد دیگری که در راه بر (منزلش) عبور می نمودند، ایستاده و به قرائتش گوش فرا می دادند.»^{۲۱}

از این دو روایت نیز تفاوت درجات خوشخوانی استفاده

می شود؛ چرا که گاهی قرائت نیکوی امام (ع)، زانوان عابران را از حرکت باز می ایستاند. و گاهی بر جان مستمع حالت غشوه و صعقه می انداخته است.

۲. قرائت همراه با حزن

قرائت حزین نیز به امام باقر و کاظم علیهما السلام منسوب است: حفص بن غیاث به نقل معتبری ویزی قرائت امام کاظم (ع) را اینگونه بیان کرده است:

«کسی را نیافتم که به اندازه موسی بن جعفر (علیهما السلام) بر خویش بترسد و بر مردم امیدوار باشد، قرائت وی محزون بود و در هنگام قرائت گویا انسانی را مخاطب قرار داده بود.»^{۲۲}

مرحوم مجلسی نیز حکایتی از قرائت امام باقر (ع) را بدین صورت نقل کرده است: «جماعتی از حضرت باقر (ع) اذن گرفته و بر حضرتش وارد شدند، اینان گفتند: هنگامی که داخل دالان شدیم ناگهان قرائتی سرپانی را شنیدیم که با صدای نیکو می خواند و گریه می کرد بطوری که بعضی از ما نیز به گریه افتادیم ولی مضمون گفتارش رانمی فهمیدیم، گمان بردیم که در نزد حضرت کسی است. لذا هنگام شرفیابی به محضرش گفتیم: ما قرائت سرپانی شنیدیم که با صدایی محزون همراه بود؛ حضرت فرمودند: من بیاد مناجات «الیا»ی پیامبر افتادم و مرا به گریه انداخت.»^{۲۳}

قرائت حزین امام باقر علیه السلام گرچه در مورد ذکر و مناجات با خدا بوه است، اما به نظر می رسد اختصاصی به ذکر نداشته است؛ خصوصاً که قرائت قرآن نیز مشتمل بر ذکر و دعا است. تاثر شنوندگان از صدای امام باقر علیه السلام گرچه مضمون کلام را هم نمی دانسته اند، قابل توجه است، در موارد دیگری نیز تاثیر قرائت محزون ائمه (ع) بر شنوندگان نقل شده است. مناقب ابن شهر آشوب آورده است:

«امام کاظم خوش صداترین مردم در قرائت قرآن بود، هنگام قرائت قرآن محزون شده و می گریست و شنوندگان نیز به قرائتش می گریستند، وی از خشیت الهی آنقدر می گریست که محاسنش به اشکها آغشته می شد.»^{۲۴}

د: قرائت صحابه و تابعین

۱. قرائت با الحان و تغنی
آنگونه که از روایات بر می آید، قرائت همراه با الحان (آواز) و تغنی در میان صحابه وجود داشت است. اینگونه قرائت بدون تردید مصداقی از قرائت حسن می باشد. پیامبر اکرم (ص) قرائت بعضی از صحابه را ستوده اند و درباره آنان فرموده اند: مزماری از مزامیر آل داود به آنها عطا شده است. این تعبیر لا اقل در حق عبدالله بن قیس اشعری وارد شده است^{۲۵}؛ درباره ابوموسی اشعری روایت شده که پیامبر به او فرمودند: کاش مرا می دیدی هنگامی که صبحگاهان به قرائت تو گوش فرا می دادم. وی نیز گفت: اگر می دانستم که شما به قرائت من گوش می دادید هر آینه بر حسن آن می افزودم.^{۲۶}

علاوه بر آن که ناقل حدیث فوق و خصوصاً شارح آن نووی از این حدیث قرائت با تغنی را فهمیده است و لذا به بررسی حکم قرائت به الحان و تغنی پرداخته

است. تعبیر «مزمار» تا حدودی دال بر اینگونه قرائت است، چرا که مزمار ابزار لوله‌ای شکلی است که در آن دمیده و با

آن تغنی می‌شود.^{۲۷} مزار حضرت داود، در حسن و نیکویی ضرب‌المثل است بطوری که حضرت امیر(ع)، داود را صاحب مزار و قاری اهل بهشت معرفی می‌نمایند.^{۲۸} این ابی الحدید نیز در ذیل این خطبه بیانی مبالغه‌آمیز در ویژگی مزار و قرائت داود نقل می‌نماید، وی می‌نویسد:

«به حضرت داود علیه السلام آنگونه صدای خوش و ترجیع در قرائت عطا شده بود که پرندگان آسمان هنگام قرائت وی در محراب عبادت بر او وارد می‌شدند، حیوانات بیابان نیز چون صدای وی را می‌شنیدند به میان مردم (مستمعین) آمده و چون به شنیدن صدای خوش وی مستغرق و مجذوب می‌شدند، از مردم فرار نمی‌کردند.»^{۲۹} در این نقل روشن است که قرائت داود با ترجیع و ترنم همراه بوده است.

جدای از این روایات حکایات دیگری وجود دارد که به نحوی بر این نوع قرائت دلالت می‌نماید. ابن الاعرابی می‌گوید:

«عرب با سرود «رکبانی»^{۳۰} در هنگام سواری پر شتر، نشستن بر درب منزل و خلاصه در اکثر حالات، روزگار سپری می‌نمود؛ پس هنگامی که قرآن نازل شد پیامبر دوست داشت که زمزمه آن‌ها بجای سرود رکبانی زمزمه قرآن باشد.»^{۳۱}

علامه ابن منظور پس از نقل فوق اولین افرادی که قرائت به الحان می‌نمودند را معرفی می‌کند؛ وی می‌نویسد: «اولین کسی که به «الحان» قرائت کرد عبیدالله ابن ابی‌بکر بود، این نوع قرائت را عبیدالله بن عمر از وی به ارث برد. از این روی می‌گویند: «قرات العصری» و سعید علاف اباضی از وی این نوع قرائت را فراگرفت.»^{۳۲}

کلمه «لحن» گرچه معانی متعددی دارد و در مباحث علوم قرآن عنوان «تلحین قرآن» به معنای خطای در اعراب آمده است - و از این نوع تلحین نهی شده است -؛ اما در اینجا مقصود از الحان و لحن، صوت قرآن و اصوات منظوم و نغمه‌های خوش است.^{۳۳} و بر همین معنا نیز «صناعه‌الالحان» به معنای موسیقی استعمال شده است.^{۳۴}

عبیدالله بن ابی بکر (اولین کسی که به نقل این منظور قرائت به الحان داشته است) از تابعین موق و از اهل بصره بوده است و پدرش ابوبکره نقیع بن الحارث از اصحاب پیامبر خدا(ص) بوده است. وی دوبار به سجستان امارت یافته و زمانی نیز قاضی بصره بوده است، ثروت زیادی داشته و به جود و سخا معروف بوده است.^{۳۵} اما متأسفانه در نحوه قرائت وی و ویژگیهای آن اطلاع دقیقی در دست نیست.

بدون این که قضاوت صریحی بر یکسانی قرائات صدراول با قرائات قرون بعد داشته باشیم؛ اما به نظر می‌رسد قرائت بالحان در طی قرون متمادی معمول بوده است گرچه به جهت‌های مختلف در دیدگاه بعضی این نوع قرائت مطلوب نبوده است.

مجدالدین ابن اثیر که در قرن ششم می‌زیسته است (۶۰۶-۵۴۴)^{۳۶} در توضیح قرائت به الحان ضمن اشاره به قرائتهای معمول عصر خود می‌نویسد:

«لحون» و «الحان» همان با طرب خواندن (تطریب) و تردید صدا در خلق (ترجیع الصوت) و خوشخوانی نظم و نثر و غناء است، و گوئیا مراد از قرائت به الحان قرائتی است که قاریان دوران در محافل و مجالس

می‌خوانند، همانا یهود و نصاری نیز کتب خویش را اینگونه می‌خوانند...»^{۳۷}

قرطبی که در قرن بعد از وی می‌زیسته است و از جهت فقهی با قرائت به الحان سخت مخالف بوده است درباره نحوه قرائت زمان خویش می‌نویسد:

«این اختلاف (که بعضی تغنی به قرآن راجح و بعضی غیرمجاز می‌شمارند) تا جایی است که ترجیع و تردید در صدا موجب خللی در فهم معنای قرآن نشود؛ اما اگر ترجیع بحدی برسد که معنای قرآن فهمیده نشود، پس اینگونه قرائت باتفاق حرام است. قرائتی که قراء شهرهای کشور مصر در پیشگاه شاهان و یا در مجالس عزا و در پیش جنازه مردگان می‌خوانند و بر این قرائت مزد و جایزه می‌گیرند، تلاش اینان در گمراهی و عملشان بیهوده است. اینان دگرگونی کتاب خدا را بدینوسیله بر خود حلال شمرده و جرأت برخداوند را بر خود آسان گرفته‌اند بدین وسیله که بر قرآن منزل با نادانی خود و سرپیچی از سنت پیامبر و سیره صالحین گذشته چیزی را که در آن نیست می‌افزایند.»^{۳۸}

دو عبارت فوق نشانگر آن است که قرائت همراه با ترجیع و تلحین در قرن ششم و هفتم وجود داشته است. اما ناپسند نمودن این قرائت در نزد ابن‌اثیر و قرطبی مطلب دیگری است که در فصل بعد آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲. قرائت حسن

قرائت نیکو از صحابه و تابعین نیز نقل شده است: علقمه بن قیس که از قراء تابعین بشمار می‌آید^{۳۹} همچون برادرش عبدالله دارای صدایی خوش بوده است. وی خود می‌گوید:

«عبدالله بن مسعود^{۴۰} کس بدنبال من می‌فرستاد و از من درخواست قرائت قرآن می‌کرد و چون قرائت من پایان می‌یافت درخواست قرائتی دیگر می‌نمود و می‌گفت: پدر و مادرم به فدایت، از پیامبر خدا(ص) شنیدم که می‌فرمود: زیبایی صدا زینت قرآن است.»^{۴۱}

موارد دیگری که پیامبر اکرم در تکریم قرائت صحابه برآمده‌اند، نشانگر حسن صوت قراء بوده است. البته در این مورد نیز قرائت نیکو و قرائت به الحان قبل جمع است؛ ولی به جهت ورود عناوین متعدد، به ذکر جداگانه آن می‌پردازیم. بررسی رابطه انواع قرائت در فصل آتی صورت می‌پذیرد.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) تکویر، آیه ۱۹.

(۲) یسئلک اهل الکتاب ان تنزل علیهم کتاباً من السماء نساء.

آیه ۱۵۳.

(۳) ... ورتلناه ترتیلاً، فرقان، آیه ۳۲.

(۴) دکتر سیدمحمد باقر حجتی، تاریخ قرآن کریم (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی) ص ۳۳ و ۳۴ به نقل از الاغان فی علوم القرآن، بحارالانوار، صحیح بخاری.

(۵) نزل القرآن بالتفخیم، جلال‌الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن (قبه منشورات رضی، بیار ۱۳۶۳) ج ۱، ص ۳۷۳ و محمد محمود عبدالملیم، احکام التجوید و فضائل القرآن (مصر، چاپ ششم) ص ۱۶۱.

(۶) جلال‌الدین سیوطی، پیشین، ج ۱، ص ۳۷۳.

(۷) شیخ محمد حر عاملی، وسائل الشیعه (بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۲) ج ۴، ص ۸۵۷.

(۸) ورتل القرآن ترتیلاً، مزمل، آیه ۴.

(۹) و قرأنا فرقناه لتقرأه علی الناس علی اسرأیه آیه ۱۰۶.

(۱۰) ر.ک: شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی، التبیان فی تفسیر القرآن (بیروت، داراحیاء التراث العربی) ج ۶، ص ۵۲۰؛ و شیخ اسماعیل حقی الیبرسودی، تفسیر روح البیان (بیروت، داراحیاء التراث العربی) ج ۵، ص ۲۱۰؛ و امام فخررازی، التفسیر الکبیر (بیروت، داراحیاء التراث العربی) ج ۲۱، ص ۶۱.

(۱۱) ر.ک: محمد بن احمد الانصاری القرطبی، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی) (بیروت، داراحیاء التراث العربی) ج ۱۰، ص ۳۴۰.

(۱۲) صحیح مسلم بشرح النووی (بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴) ج ۸، ص ۸۱۷۸.

(۱۳) محمد بن احمد قرطبی، پیشین، ج ۱، ص ۱۳.

(۱۴) و اذا ذکرک ربک فی القرآن وحده ولو اعلی ادبارهم نفوراً.

الاسراء، آیه ۴۶.

(۱۵) علی بن ابراهیم قصی، تفسیر القصی (قم، مؤسسه دارالکتب، ۱۳۸۷ ق) ج ۲، ص ۲۰، متن روایت اینگونه است: «کان رسول‌الله انا نهجد بالقرآن تسمع قریش لحسن قرائته و کان اذا قرأ بسم‌الله الرحمن الرحیم فزوا عنه.»

(۱۶) عن الباقر علیه‌السلام: «ان رسول‌الله (ص) کان احسن الناس صوتاً بالقرآن»، محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی (تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه) ج ۲، ص ۲۵۹.

(۱۷) عن الصادق علیه‌السلام: «ما بعث الله نبیاً الا احسن الصوت» محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه (قم، مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی) ج ۸، ص ۸۳ به نقل از اصول کافی ج ۲، ص ۶۱۶.

(۱۸) مقصود سائل آن است که اگر قرائت امام چهارم موجب صغفه مردم می‌گردیده است پس چگونه مردم قرائت پیامبر را می‌شنیدند و چنین حالتی بر آنها عارض نمی‌شد؟

(۱۹) ملا محمدباقر مجلسی، بحارالانوار (تهران، مکتبه اسلامیه) ج ۴۶، ص ۶۹، متن روایت: «ان رسول‌الله(ص) کان یحمل من خلفه ما یطیقون»

(۲۰) محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی (تهران، دارالکتب اسلامیه) ج ۲، ص ۶۱۵، متن روایت: «علی بن محمد بن نوفلی قال: ذکرک الصوت عنده قال: ان علی بن الحسین علیهما السلام کان یقرأ فریما مر به المار فصعق من حسن صوته و ان الامام لواطهر من ذلک شیئاً لما احتمله الناس.»

(۲۱) همان، ج ۴، ص ۸۵۸، متن روایت: قال ابو عبدالله(ص): «ان علی بن الحسین کان احسن الناس صوتاً بالقرآن و کان یرفع صوته حتی یسمعه اهل الدار و ان اباجعفر کان احسن الناس صوتاً بالقرآن و کان لفا قام من اللیل و قرأ رفع صوته فیمر به مارالطریق و الساقین و غیرهم فیقومون فیستمعون الی قرائته.»

(۲۲) همان، ج ۴، ص ۸۵۷.

(۲۳) همان، ج ۴، ص ۲۵۴.

(۲۴) علی محمد علی دخلی، ائمتنا «بیروت، دارالامام الرضا(ع)» ج ۲، ص ۱۴ به نقل از المناقب ج ۲، ص ۳۷۹.

(۲۵) صحیح مسلم بشرح النووی ج ۶، ص ۸۰.

(۲۶) همان، ج ۶، ص ۸۰؛ و محمد بن احمد قرطبی، پیشین، ج ۱، ص ۱۰.

(۲۷) ر.ک: عبدالوهاب النجار، قصص الانبیاء (قم، مؤسسه دین و دانش، هجرت) ص ۳۱۱.

(۲۸) نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰: «و ان شئت ثلثت بدارود صلی‌الله علیه و سلم صاحب المزامیر و قاری اهل الجنة.»

(۲۹) ابن ابی الحدید، شرح نهج‌البلاغه (بیروت، داراحیاء التراث العربی) ج ۹، ص ۲۳۱.

(۳۰) شعری که با مد و زمزمه همراه است.

(۳۱) علامه ابن منظور، لسان العرب (بیروت، داراحیاء التراث العربی) ج ۱۰، ص ۱۳۵.

(۳۲) همان، ج ۱۰، ص ۱۳۵.

(۳۳) لحن فی قرائته: ترنم فیها و طوب، المنجد.

(۳۴) المنجد فی اللغة، ص ۷۱۷.

(۳۵) خیرالدین زرکلی، الاعلام (بیروت، دارالعلم للملایین) ج ۴، ص ۱۹۱ به نقل از تاریخ الاسلام ذهبی ج ۳، ص ۱۸۹.

(۳۶) ر.ک: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، به کوشش: سیدکاظم بخوردی (تهران، مرکز دائرةالمعارف) ج ۲، ص ۷۰۲.

(۳۷) مجدالدین ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث (قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان) ج ۲، ص ۲۳۳.

(۳۸) ر.ک: محمد بن احمد قرطبی، پیشین، ج ۱، ص ۱۶-۱۷.

(۳۹) وی در نزد عبدالله بن مسعود شاکردی قرائت کرده و مورد

مراجعه صحابه بوده است و در سال ۶۲ بدرود حیات گفته است، شمس‌الدین محمد ذهبی، کتاب تذکره‌الحفاظ (بیروت، دارالکتب العلمیه) ج ۱، ص ۴۸.

(۴۰) وی یکی از صحابه خوشنام و حافظان و الامقام بوده است که در عصر عثمان بدرود حیات گفته است. (۳۲، م) همان، ج ۱، ص ۱۴.

(۴۱) احمد بن محمد انصاری، پیشین، ج ۱، ص ۱۲.